

جایگاه حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر

سلیمه احمدی؛ عضو آکادمی رهبری زنان

چکیده

حقوق بشر دارای ابعاد مختلفی است که در نزد ادیان، مکاتب و ایدئولوژی های سیاسی متفاوت دارای تعاریف و تفاسیر گوناگونی است. با این حال اعلامیه جهانی حقوق بشر که توسط سازمان ملل دنبال میشود، به عنوان سند اصلی و قابل اطمینانی میان کشورهای مختلف شناخته می شود. حقوق بشر در مفهوم عام و کلی خود به دنبال احقاق حقوق شهروندان فارغ از جنس، نژاد، رنگ عقاید، سیاسی و مذهبی است. از همین رو در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی اهداف و برنامه های خاص خود را دنبال می کند. از این منظر فقه به عنوان منشا قانونگذاری در شریعت اسلامی دارای ظرفیت های گسترده ای در زمینه حقوق بشر است که حقوق اقتصادی و اجتماعی یکی از موضوعات مورد توجه آن است. در این رویکرد، قواعد تعیین شده فقهی نه تنها مابینی با قواعد عام و کلی حقوق بشر ندارد. بلکه در ابعاد مختلفی، همچون حفظ کرامت انسان، آسایش و رفاه فردی و جمعی، حقوق شهروندان، تامین آزادی های فردی و جمعی و برنامه ریزی های اقتصادی شیوه مطلوب تری را ارائه می دهد از این رو میتواند به عنوان مبنایی برای حقوق بشر اسلامی در نظر گرفته شود

واژه گان کلیدی: حقوق اجتماعی، حقوق اقتصادی، اعلامیه اسلامی حقوق بشر.

حقوق بشر به عنوان یکی از موضوعات مهم و تاثیر گذار نقش مهمی در جایگاه داخلی و بین المللی کشورها ایفا می کند. به همین دلیل و پس از تشکیل سازمان ملل و توجه به مقوله حقوق بشر دولت ها توجه خاصی به این مساله انداخته اند. از طرفی دیگر، تفاسیر متعددی از حقوق بشر وجود دارد اغلب کشورها بنابر مواضع ایدئولوژیک و فرهنگی سیاسی خود را به این مساله نگاه می کنند ابعاد حقوق بشر نیز گسترده است و طیف متعددی از حقوق سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را دربر میگیرد یکی از وجوه تاثیر گذار بر مقوله حقوق بشر، اقتصادی، ابعاد اقتصادی، اجتماعی است که بخش اعظمی از رویکرد های حقوق بشری را نیز شامل میشود علی رغم این که حقوق بشر مساله ای غربی و بر گرفته از آموزه های غربی تلقی میشود، اما شواهد موجود نشان می دهد که فقه به عنوان منبع صدور احکام در عصر جدید، دارای ظرفیت های گسترده برای احقاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و به تبع آن موضوع حقوق بشر است. به نظر می رسد، مبانی و اصول فقهی حقوق اقتصادی اجتماعی از دو زاویه شهروندان و دولت مورد نظر مورد نظر است که از جهت نخست مراعات کرامت انسانی، احترام به حقوق انسانها، اجرای اصل مساوات و از چشم انداز حکومت اسلامی، ماهیت خدمت گذاری دولت اسلامی، اصل عدالت و اصل رضایت عموم مردم از جمله مبانی دیگر ضرورت حقوق اقتصادی شهروندی در جامعه می باشد از آیات، روایات، بنای عقلا و عرف بدست آمده است. مولفه های ذکر شده اغلب در ساختار مشخصی با عنوان فقه مورد توجه قرار گرفتند که بررسی ابعاد اقتصادی، اجتماعی دین اسلام در زمینه حقوق بشر نیازمند توجه به آنان است. در همین راستا، سوال اصلی پژوهش حاضر این است: جایگاه حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان در اعلامیه حقوق بشر اسلامی ند؟ بدین ترتیب در این تحقیق سعی شده است که "جایگاه حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان در پرتو اعلامیه اسلامی حقوق بشر" مورد مطالعه و بررسی و تحلیل قرار گیرد تا ضمن شناسایی حقوق زنان در اعلامیه حقوق بشر اسلامی در حوزه اجتماعی و اقتصادی به این پرسش ها پاسخ مناسب داده شود.

بیان مسئله

حقوق بشر به عنوان یکی از موضوعات مهم و تاثیر گذار نقش مهمی در جایگاه داخلی و بین المللی کشورها ایفا می کند. اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر اسلامی اعلامیه ایست که توسط سازمان کنفرانس اسلامی ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ (۵ اوت ۱۹۹۰) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه ای از نگاه اسلامی به حقوق بشر فراهم میکند. این اعلامیه معمولا به عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ تلقی میشود حقوق بشر در مفهوم عام و کلی خود به دنبال احقاق حقوق شهروندان فارغ از جنس، نژاد، رنگ عقاید، سیاسی و

مذهبی است. از همین رو در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی اهداف و برنامه های خاص خود را دنبال می کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به اینکه افغانستان یک جامعه مذهبی و سنتی گرا است و وجوب رسوم و فرهنگ های نادرست کنونی باعث صلب بعضی و یا تمام حقوق زنان گردیده از این رو ضرورت و لازم به این است تا از طریق ارائه و پیش برد روش های گوناگونی بتوانیم سطح آگاهی و داشته های افراد کشور را بالا ببریم و یکی از نیازمندی های آن پژوهش چنین مقالات است تا با مطالعه این پژوهش ها خلاها و عدم آگاهی های که در باره حقوق زنان است حل شود و به اتمام برسد.

اهداف تحقیق

بلند بردن سطح آگاهی افراد جامعه و از بردن خلا های عدم آگاهی از حقوق زنان.

پرسش های تحقیق

پرسش های اصلی

۱- زنان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر از لحاظ حقوق اقتصادی و اجتماعی از چه جایگاهی برخوردار اند؟

پرسش های فرعی

۲- از زنان در اسلام از کدام حقوق اقتصادی و اجتماعی برخوردار اند؟

فرضیه تحقیق

اعلامیه اسلامی حقوق بشر زن را برابر مرد دانسته و آن حقوق و امتیازاتی که برای مرادن قایل است برای زنان هم قایل است چه در حوزه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی البته با در نظر داشت احکام و قوانین شریعت اسلامی. یگانه عوامل بدور ماندن زنان از حقوق اقتصادی و اجتماعی آنان قرائت های سختگیرانه و نادرست از دین مقدس اسلام و وجود رسوم و فرهنگ های نادرست کشور ها میباشد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش به صورت کل توصیفی از نوع تحلیلی و کتابخانه ای می باشد.

تعریف مفاهیم

معنی لغوی حق

حقوق جمع کلمه حق و حق در زبان فارسی به معنی سزاوار، روا، مقابل باطل است. همانگونه روا در مقابل نارواست. همچنان حق به معنای حصه، نصیب، سهم، یقین، عدل، صدق، مال و ملک میباشد. علاوه بر آن موارد شرعی به معنی قرآن، اسلام و یکی از اسماء خداوند "ح" و امر حکم شده است.

معنای اصطلاحی حقوق

حقوق یعنی مجموعه ای قواعد و نظامات و مقرراتی که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع گردیده و دارای ضمانت اجرای کافی و موثر باشد به این قواعد و مقررات یعنی قانون هم اطلاق میشود.

تعریف اعلامیه

هیچ تعریف رسمی از اصطلاح اعلامیه صورت نپذیرفته و تنها در لغت نامه ها معنای لغوی آن ذکر شده است. اما به طور کلی اصطلاح اعلامیه در عرصه حقوق بشری به اسناد مکتوبی اطلاق می شود که جهت بیان اصول کلی در خصوص موضوعات و مسایل مربوط به حقوق و آزادی های اساسی یا تایید تفسیر امور خاص به وسیله نهاد های بین المللی (بین الدولی) یا دولتی صادر می گردد.

اقسام اعلامیه

به طور عمده اصطلاح اعلامیه برای دو دسته کلی از اسناد به کار برده می شود؛ سند سیاسی (Political Instrument) و سند معاهده ای (Treaty Instrument).

سند سیاسی

اصطلاح اعلامیه در مفهوم سند سیاسی عبارت است از سند مکتوبی که برای بیان اصول کلی به وسیله نهادهای بین المللی به کار گرفته می شود.

سند معاهده ای

اما اصطلاح اعلامیه در مفهوم سند معاهده ای، عبارت است از سندی که به وسیله دولتی در هنگام تصویب یک معاهده مورد پذیرش قرار گرفته در جایی که دولتی اعلام می نماید تا چه محدوده ای مقید و ملتزم

به اعمال مقررات مربوط می باشد؛ برای مثال در جایی که دولت محدوده جغرافیایی یا زمانی یا مساله مربوط به پذیرش صلاحیت یک نهاد اجرایی به منظور طرح شکایات علیه آن دولت را بیان می نماید. در این اصطلاح مراد اعلامیه تفسیری است که در این بحث به آن پرداخته نمی شود. همچنین اعلامیه ها را بر اساس مرجع صادر کننده، دایره شمول و موضوعات مطروحه در آنها می توان طبقه بندی نمود. در مقدمه «اعلامیه اسلامی حقوق بشر»، تاکید شده است که خداوند امت اسلامی را به عنوان «بهترین امت» برگزیده است. روشن نیست اگر امت اسلامی بهترین امت و برگزیده است، پس چگونه می توان آنها را با دیگر افراد بشر، احیاناً دارای حقوق مساوی یا حتی مشابه دانست؟ از سوی دیگر، همین مقدمه، فقط آن نوع از «حقوق بشر» را مورد تایید قرار داده که «با شریعت اسلامی هماهنگی داشته باشد.» به این ترتیب، مثلا ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر که می گوید همه افراد صرف نظر از «نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، قوم، عقیده سیاسی و...» برابرند، خلاف شریعت اسلامی است (که در آن برابری جنسی وجود ندارد، زن و مرد هر یک «حکم»، «تکلیف»، و «حقوق» جداگانه و متفاوتی دارند، مسلم و غیر مسلم با هم فرق نمی تواند مورد تایید اعلامیه اسلامی حقوق بشر باشد)، زیرا باز هم بر اساس مقدمه این اعلامیه: «هیچ احدی حق متوقف کردن یا چشم پوشی از احکام تکلیفی خداوند را ندارد.» همه اصول سی گانه در اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره افراد بشر است و حقوقی که تک تک مردم باید از آن برخوردار باشند. به همین دلیل است که در یکایک مواد این اعلامیه، با کلمات و ترکیبهایی روبرو هستیم از قبیل: «هرکس»، «هیچ کس»، «همه»، «تمام افراد بشر»، «احدی»، «هر شخص» و....

نگاه مختصری به اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر اسلامی اعلامیه ایست که توسط سازمان کنفرانس اسلامی ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ (۵ اوت ۱۹۹۰) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه ای از نگاه اسلامی به حقوق بشر فراهم میکند. این اعلامیه معمولا به عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸ تلقی میشود. که نخست در سال ۱۹۸۹ در کنفرانس تهران متن اعلامیه را در ۲۲ ماده نوشتند. اما در سال ۱۹۹۰ زمانی که قرار شد در قاهره تصویب شود با حذف بعضی از مواد نوشته شده در کنفرانس تهران و یا با جا به جایی بعضی مواد سر انجام در ۲۵ ماده تصویب شد. کشور برجسته مانند ایران، سودان و عربستان سعودی، بارها اعلامیه جهانی حقوق بشر را به خاطر عدم در نظر گرفتن زمینه فرهنگی و دینی کشور های غیر غربی مورد انتقاد قرار می دادند. در سال ۱۹۸۱ نماینده ایران در سازمان ملل موضع کشورش را مورد اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین بیان کرد: این اعلامیه یک "برداشت سکولار نسبی گرایانه از فرهنگ یهودی مسیحی است" که نمی تواند توسط مسلمانان بدون تجاوز از قوانین اسلامی اجرا گردد. در سال ۱۹۹۰ اعضای سازمان کنفرانس اسلامی اعلامیه اسلامی حقوق بشر را تصویب کردند. در سال ۱۹۹۲ این اعلامیه حقوق بشر اسلامی به کمیته ای حقوق بشر سازمان ملل ارائه شد و به شدت توسط کمیته ای بین المللی قضات محکوم

گردید. این اعلامیه پس از ۳۰ سال مورد بازنگری قرار گرفت و در نوامبر ۲۰۲۰ تحت عنوان اعلامیه قاره سازمان همکاری اسلامی در مورد حقوق بشر در نیامی نیجر به تصویب رسید. نویسندگان اعلامیه اسلامی حقوق بشر مفهوم حقوق بشر (Human Rights) را با چند موضوع خلط کرده اند. تعریفی که ایشان از "حقوق بشر" ارائه می دهند، در واقع وکالیفی است که به زعم آنان بشر در قبال خداوند و نماینده گان او بر روی زمین دارد؛ در حالی که اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق انسان را در برابر حکومت برخاسته از اجماع انسانها مطرح نظر قرار می دهد. به عبارت دیگر، "حقوق بشر" در اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل آن چیزی است که در حقوق اسلامی از آن توسعاً با عنوان "حق الناس" یاد می شود. در حقوق اسلامی "حق الناس" در برابر "حق الله" است. هر موضوعی که حقی از مردم در آن باشد، در حیطه بی حق الناس است و از این جمله منشاء قدرت، رابطه میان مردم و حکومت، قضاوت میان مردم، و آنچه میان مردم و حکومت مطرح می شود از جمله قوانین مدنی و حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

حق الله شامل موضوع هایی میشود که بین انسان و خداست، مانند: نماز با درگاه خداوندگزارده میشود و کسی نمی تواند از سوی خداوند مدعی آن گردد. جالب اینجاست که اعلامیه اسلامی حقوق بشر بی توجه به "حق الناس"؛ "حق الله" را محور برداشت ها و تعریف هایش از "حقوق بشر" قرار داده، لذا تکلیف را به جای حق نشانده است. به این ترتیب، اعلامیه اسلامی حقوق بشر قبل از آنکه بسیط، شامل و دربر گیرنده همه نوع بشر می باشد، فقط آن دسته از مردم را در بر میگیرد و به رسمیت می شناسد که "حق خداوند" را ادا کرده باشد. بنابر این، اعلامیه حقوق بشر اسلامی نه جهان شمول است و نه همه افراد بشر را در بر میگیرد بلکه مقدمه این اعلامیه با صراحت فقط آن دسته از افراد بشر را مشمول "امتيازات" مندرج در اعلامیه میداند که "جز خدا کسی را پرستش نکنند و شریکی به او قایل نشوند." به گفته این اعلامیه، فقط کسانی که چنین اعتقادی دارند می توانند "پایه راستین آزادی مسوولانه بشریت و حیثیت را پی ریزی نمایند.

مفهوم حقوق اقتصادی و اجتماعی

از این به بعد در راستای تحقق اهداف سازمان ملل در حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی، حقوق و آزادی های بنیادین بشری در سطوح جهانی و منطقه ای مورد شناسایی قرار گرفتند. با توجه به ابعاد متفاوت انسانی تامین و شناسایی حقوق و آزادی های مختلفی که تمامی حوزه های انسانی را پوشش می دهد امری ضروری بود. از این جهت حقوق و آزادی های متعدد در جهت حمایت از ابعاد مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان ها مورد شناسایی قرار گرفت و در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ به تصویب رسید، اما بعد ها در خلال تدوین پیش میثاقی برای حقوق بشر، مباحثی مطرح شد که به جهت تفاوت در ماهیت و منشأ حق ها و پاره ای ملاحظات سیاسی، ترجیح داده شده تا دو دسته کلی از حقوق شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مقابل حقوق مدنی و سیاسی به طور مجزا (هریک به طور مستقل) مورد شناسایی قرار گیرند. به این ترتیب طیف نسبتاً گسترده ای از حقوق تحت عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم حقوق بشر در نظام بین المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده و ساز و کارهایی هم جهت نظارت بر آنها مقرر گردیده است. منابع متعددی معرفی نمود که در آنها حقوق مزبور مورد شناسایی قرار گرفته است از جمله:

۱_ مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م).

۲_ ماده ۵ کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵ م).

۳_ ماده ۱ کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹ م).

۴_ مواد ۳۰، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۴ و ۳۱ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م).

۵_ مواد ۳۰، ۲۸، ۲۷ و ۳۱ کنوانسیون حقوق کارگران مهاجر (۱۹۹۰ م).

به هر حال اغلب قوانین و لوایح حقوق بشری این حقوق را به رسمیت شناخته اند، اما مفصل ترین مجموعه از این دسته حقوق را می توان در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ مشاهده نمود که در آن طیف گسترده ای از این سنج حقوق و آزادی ها مورد شناسایی قرار گرفته است. علاوه بر اسناد بین المللی فوق، در سطح منطقه ای نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در اسناد مهمی چون منشور اجتماعی اروپا، ۱۹۶۵ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت ها نیز در این زمینه دید گاه های گسترده ای را مطرح کرده اند. بدین ترتیب این که حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عنوان دسته مجزایی از حقوق بشر تحت عنوان نسل دوم شناخته شده، غالباً با خاستگاه متمایز

تاریخی آنها توجیه میشود این حقوق از رشد آرمان های سوسیالیستی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و پیدایش جنبش کارگری در اروپا سر چشمه گرفته است

با وجود آنکه در محدوده ای سازمان ملل از ماهیت تفکیک ناپذیری و همبستگی و وابستگی متقابل تمامی حقوق و ارزش یکسان و برابر آنها حمایت می شود و هر دو دسته از حقوق (نسل اول و دوم) پذیرش جهانی یافته اند. به هر حال با توجه به حمایت گسترده از این دسته حقوق و شناسایی آنها در سطوح مختلف بین المللی منطقه ای و ملی ضرورت اتخاذ راه کار هایی در جهت تحقق این حقوق از جانب دولت ها امری مسلم است. در هر صورت می توان گفت تمام معاهدات حقوق بشری به نحوی شامل مقرراتی در ارتباط مستقیم با حقوق اقتصادی و اجتماعی هستند.

بررسی حقوق بشر اسلامی در پرتو فقه

دین اسلام دارای برنامه های کلی در زمینه های سیاسی و اجتماعی است که امروزه در قالب قواعد و احکام فقهی بیان می شود این منظر، دین اسلام هم مولفه های حقوق بشر را در خود دارد و هم به زوایای اقتصادی و اجتماعی آن توجه خاصی نموده است. در همین راستا شایسته است، ابتدا حقوق بشری اسلامی تعریف شود و سپس مولفه های اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند.

حقوق بشر اسلامی

متفکران اسلامی، دین اسلام را واجد ویژه گی های تلقی می کنند که بیش از سایر ادیان و مکاتب بر حقوق مسلم بشر تاکید می کند. از منظر فقه اسلامی انسان دارای کرامت ذاتی و اکتسابی الهی است بنا بر این کرامت انسانی نخستین اصلی بود که شعله های هدایت و ایمان را در دل احاد مردم بر افروخت و سبب گردید تا انسانها اعم از زن و مرد فوج فوج به دامان پر مهر اسلام، پناه آوردند. این نگاه هرگز به جنس یا گروهی را استثنا نمی کرد، بلکه همه آحاد انسانی اعم از سیاه و سفید، زن و مرد، عرب و عجم را در نزد پروردگار برابر می دانست و هیچ اختلافی جز در پرتو الهی و نزدیکی به آسمان معنا نمی شد هر چند برخی در تفسیر این برابری راه مغالطه پیمودند و این تصور را القا نمودند که انسان ها هم چنانکه ذات و ماهیت بشری واحدی دارند، حقوق و تکالیف شان نیز هر چند امور مربوط به فیزیکیشان باشد کاملاً مساوی و برابر است. این قول آنچنان روشن است که نیازی به اثبات ندارد زیرا آنجا که بحث از برابری می شود امور مربوط به ذات طبیعی واحد بشری مراد است، نه مسایل عارض بر جسم و جنس. بدین ترتیب دین اسلام سر منشا حقوق بشر است و از همین رو فقهای اسلامی تلاش میکنند با توسل به آموزه های قرآنی، سنت رسول گرامی اسلام (حضرت محمد صلی الله علیه وسلم). به عنوان نمونه قرآنکریم در این زمینه می

فرماید: "یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقاکم ان الله علیم خبیر" ترجمه: "ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید اینها ملاک امتیاز نیست گرامی ترین شما نزد خداوند با تقوا ترین شماست، خداوند دانا و آگاه است." بنابراین دین اسلام در وهله اول برابری انسانها را می پذیرد و حتی از منظر کرامت اکتسابی و شرایط لازم برای رفع نابرابری های اجتماعی و سیاسی را فراهم می آورد. علاوه بر این حقوق بشر اسلامی بر این مساله نیز تکیه می کند که حق الناس و ضایع نشدن حقوق آنان بر حق الله مقدم است در واقع آن بخش از احکام که در بر دارنده حق مالی و غیر مالی برای دیگر افراد است حق الناس محسوب می شود.

اگر چه زنان از قرنهای پیش برای بدست آوردن حقوق خود مبارزه کرده اند اما مبارزه برای رعایت حقوق بشر زنان توسط جنبش بین المللی آنان مبارزه تازه ای است به عنوان نمونه منشور سازمان ملل متحد بر تساوی حقوق زن و مرد تصریح می نماید و تحقق همکاری بین المللی از این رهگذر گسترش و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان فارغ از هر گونه تبعیض نژادی، جنسی، زبانی، یا دینی را از اهداف سازمان بر می شمارد. مواد ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می دارد که تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند، از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر اند و از تمام حقوق آزادی های ذکر شده در اعلامیه بهره مند می گردند. بند ۱۵ اعلامیه ۱۹۶۸ کنفرانس بین المللی حقوق بشر تهران صریحا آپارتاید جنسی را رد می کند و اظهار می دارد "تبعیضی که زنان همچنان در مناطق مختلف قربانی آن هستند باید از بین برود مادون برای زنان قائل شدن، مغایر منشور ملل متحد نیز موازین اعلامیه جهانی حقوق بشر است." اما در ماده ۱۶ اعلامیه اسلامی حقوق بشر ۱۹۹۰ قاهره آمده است که در "حیثیت انسانی زن و مرد برابر اند و به همان اندازه که زن وظایفی دارد از حقوق نیز برخوردار است و دارای شخصیت مدنی و ذمه مال مستقل و حق حفظ نام و نسب خویش را دارد به عبارت دیگر اگر در اعلامیه حقوق بشر اسلامی زن از حقوق کمتری برخوردار است، به واسطه کمتر بودن وظایف و تکالیف اوست بند دوم همین ماده ششم بر این امر تاکید میکند که بار نفقه خانواده و مسوولیت نگهداری آن از وظایف مرد میباشد این در حالی است که در حال حاضر در بسیاری از جوامع اسلامی در مواردی زنان دوشادوش مردان بار اقتصادی خانواده را علاوه بر مسوولیت های خانگی بر دوش می کشند در ماده ۱۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر که به ازدواج اختصاص داده شده ازدواج مرد و زن مسلمان را معتقدان به ادیان دیگر به رسمیت نشناخته است این ماده تصریح می کند که زن و مرد حق ازدواج دارند «بدون هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد یا رنگ

یا قومیت «باشد، اما هیچ اشاره ای به مذهب نکرده و برای استنتاج موضع اعلامیه درباره ازدواج زن و مرد مسلمان با پیروان مذاهب دیگر باید، مطابق مواد بیست و چهارم و بیست و پنجم همین اعلامیه، به شریعت اسلامی مراجعه کرد، که در آن ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان اشکالی ندارد، اما زن مسلمان نمی تواند با مرد غیر مسلمان ازدواج نماید. در این مورد خاص، علمای دینی شیعه در ایران، حتی ازدواج زن شیعه با مرد سنی را هم مکروه می دانند و اجماع آنان بر اجتناب و اکراه است

این امر هم اکنون در ایران برای زنان مشکلات بسیار به بار آورده است. زیرا بنا بر آن تابعیت فرزند نه تابع خاک و خون (سرزمین و پدر و مادر) بلکه پیرو تابعیت پدر است، و زنان حتی بر تابعیت فرزند خود ندارند. از همین رو فرزندان زنان مسلمان ایرانی که پدر خارجی دارند، از حقوق شهروندی چون حق تحصیل و ارث و داشتن شناسنامه محرومند و محکوم اند که یا بی هویت زندگی کنند و یا همراه با مادران خود ترک وطن گویند. سکوت «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» درباره اصل برائت در اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل بر برائت است. یعنی بر اساس ماده ۱۱ هر کس به بزه کاری متهم شده باشد بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در یک دادگاه علنی و منصفانه و با تضمینهای لازم برای دفاع از متهم، تقصیر او قانوناً محرز گردد.» اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی کاملاً درباره اصل برائت که مهمترین اصل شناخته شده در حقوق به شمار می رود ساکت است و به هیچ وجه روشن نیست که آیا اصل برائت را محترم می شمارد یا چون بر اساس آموزه های دینی انسان به واسطه «گناه» از بهشت رانده شده، اصل بر گناهکار بودن انسان است نه بر برائت وی. در اعلامیه اسلامی حقوق بشر، زنان همچون مردان حق ازدواج و اشتغال دارند و هیچ قید و بندی که بر پایه نژاد، رنگ یا قومیت باشد، نمی تواند آنان را از این حقوق محروم سازد. علاوه بر این، جامعه و دولت موظفند موانع فراروی ازدواج و اشتغال آنان را بردارند و راه های آن را آسان کنند. این اعلامیه در ضمن، می افزاید: از حیث انسانی و شغلی، زن با مرد برابر است و به همان اندازه که زن وظایف شغلی دارد، از حقوق شغلی نیز برخوردار است. تأمین نفقه زن و خانواده ای که زن پایه و اساس آن است، از وظایف مرد به شمار می آید، ولی این امر، زن را محروم یا بی نیاز از کار و اشتغال نمی سازد.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر تأکید می کند که زنان حق دارند تا چنانچه توانایی کار داشته باشند، از حمایت دولت و جامعه برای کار کردن برخوردار شوند. زنان همانند مردان، آزادی انتخاب کار شایسته را دارند، مشروط به اینکه مصلحت آنان، خانواده و جامعه برآورده شود. دست مزد زن کارگر تفاوتی با مرد کارگر ندارد و زن از مزد عادلانه در مقابل کاری که ارائه میکند، بهره میگیرد. نباید او را از حق استفاده از مرخصی، پاداش و ترفیع شغلی محروم کرد. در مقابل بهره ندی از مزایای مزبور، زن موظف است که

در کار خود، اخلاص و درستکاری پیشه کند. افزون بر آن، زن مجاز است صاحب و مالک دست مزد و دست رنجی باشد که حاصل کار و اشتغال اوست و حق دارد آن را به هر شکلی که به او و دیگران ضرر نرساند، صرف و یا هزینه کند.

از دیگر اصول اعلامیه اسلامی حقوق بشر، میتوان اصول ذیل را در مورد اشتغال زنان برداشت کرد: زنان حق دارند:

- ۱- علم بیاموزند تا به کمک آن بتوانند مشاغل مناسب به دست آورند
- از دولت بخواهند مشاغل متنوعی برای آنان فراهم آورد تا آزادی انتخاب شغلی وسیع^۲ تری بیابند
- به اشتغال بپردازند و آن را برای خیر و سعادت خود و بشریت به کار گیرند^۳
- از طریق اشتغال به کار، شخصیت خود را با^۴ گونه ای تقویت کنند که آمادگی پذیرش مسئولیت های مهمتری را بیابند
- نه برده شوند و نه بردگی را در تمامی ابعادش به عنوان شغل برگزینند^۵
- در محیطی پاک و بدون مفسد و بیماری^۶ ای جسمی، روحی و اخلاقی به اشتغال بپردازند
- از مراکز پزشکی مناسب برای درمان بیماری های ناشی از کار برخوردار باشند^۷-
- شغلی را مطالبه نمایند که مخدوش کننده حیثیت و شرافتشان نباشد^۸
- از کار اجباری امتناع کنند و از اشتغال به امور خلاف شرع پرهیز نمایند^۹
- به شغل اقتصادی متناسب با توانایی های روحی و جسمی خود مبادرت ورزند^{۱۰}
- از مزایا و درآمدهای ناشی از اشتغال برای ارتقا و تکامل معنوی و مادی خود بهره گیرند^{۱۱}
- از دولت بخواهند آموزش های شغلی لازم برای انجام کیفی تر شغلی را که بر عهده گرفته اند، برایشان^{۱۲} فراهم کند
- از هر کسی که مانع اشتغال آنان می شود به دادگاه های صالح ملّی شکایت کنند^{۱۳}

به هر روی، روح اعلامیه اسلامی حقوق بشر از حرمت)حرام بودن (اشتغال زن جانب‌داری نم‌یک‌ند، بلکه همان گونه که زنان مسلمان عصر رسالت با مراعات قواعد اسلامی به مشاغل و حرفه‌گوناگون، اعم از تجارت، کشاورزی، دام‌داری و خدمات عمومی اشتغال داشت‌ه‌اند، از اشتغال زنان حمایت می‌کند

توجه به مناسبات اجتماعی برابر و عادلانه

شرایط اجتماعی برابر علاوه بر این که به عنوان اصول حقوق بشر شمرده می‌شود، می‌بایست زمینه‌ای برای تعالی انسانها نیز فراهم آورد. در این زمینه هم باور به برابری ذاتی انسانها مسأله‌ای حائز اهمیت است و هم فراهم کردن شرایطی برابر برای سامان دادن به تحرک اجتماعی مطلوب میان آحاد جامعه، آموزه‌های دینی و فقهی در اسلام حاکی از توجه به دو جنبه کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی است و از این جهت ابعاد اجتماعی حقوق بشر اسلامی توجه خاصی به مناسبات اجتماعی انسانها می‌دهد. از منظر آموزه‌های حقوق بشر اسلامی همه انسانها از کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی برخوردارند و خداوند باری تعالی برای گذران حیات انسانها در فضای حق - تکلیفی متقابل متسالم این نوع کرامت را در نهاد همه انسانها قرار داده است. این کرامت «نتیجه بشریت است و هر انسان از آن رو که انسان است، صاحب کرامت است». در یک کلام، می‌توان این نوع کرامت را کرامت این جهانی نامید. مع ذلك انسانها مادامی که با اختیار خود جهت ارتکاب خیانت و جنایت بر خویشان و بر دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند. علاوه بر کرامت انتالی، کرامت اکتسابی در نزد آموزه‌های حقوق بشر اسلامی بسیار مورد توجه است. در این معنا، کرامت اکتسابی از به کارانداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات به دست می‌آید و ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است، یعنی کرامت، دارای ارزشی بالقوه است که اگر با تلاش در مسیر حیات معقول به فعلیت برسد، دارای ارزشی مستند به اراده آزاد می‌شود. برخی این نوع کرامت را انتخابی معرفی کرده‌اند، مشروط به کسب ایمان، علم، تقوا، جهاد و عمل صالح که مقصود از آن دستیابی به کمالاتی است که جایگاه انسان را ترفیع می‌دهد. کرامت اکتسابی ایجاب می‌کند که ارزش انسانیت انسان مدرج و کرامتش، مفهومی مشکک و دارای طیف باشد، ولی در هر حال، دارای کرامت ذاتی است. فرد دارای کرامت اکتسابی در حوزه عمومی و اجتماعی، منفعل و منزوی نیست، بلکه در صحنه روابط اجتماعی وارد می‌شود و با خیرسانی به مردم، حقوق شهروندی تصاحب می‌کند، چه این که با کرامت‌ترین افراد نزد خداوند در قرآن باتقوا‌ترین آنهاست، این علاوه بر ساحت معنوی به ساحت اجتماعی نیز اشاره دارد، ولی باید منطق عقلی داشته باشد و عقل جمعی آن را بپذیرد. در بیان فقهی، حقوق شهروندی مبتنی بر کرامت اکتسابی باید مستند به بنای عقلا و سیره متشرعه باشد. به طور مثال، دولت اسلامی از فرد خیر حمایت به عمل

می آورد و فرد متقی که به انجام خدمات عام المنفعه اقدام می کند، ممکن است از سوی حاکمیت این امتیاز را دریافت دارد که از پرداخت مالیات معاف شود.

زنان در اجتماع

حضور فعال زنان در اجتماع ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را می تواند در بر داشته باشد یا به عباره دیگر ریشه و مبنای آن را در نظریه های مطرح شده مانند نظریه زنان و سرمایه انسانی و زنان از دید نظریه سرمایه اجتماعی به وضاحت ملاحظه نمود. براساس نظریه زنان و سرمایه انسانی سرمایه انسانی در مقابل سرمایه فریکی و منابع طبیعی مانند دخیل زیرزمینی قرار می گیرد که با سرمایه گذاری بر این سرمایه، انکشاف و پیشرفت بیشتر به دست می آید به اساس نظریه سرمایه اجتماعی که از مفاهیم نوین در علوم اجتماعی است، نشان داده می شود که سرمایه اجتماعی در سطح فردی و خانوادگی چگونه بر ذخیره های سرمایه اجتماعی در سطح آموزش فردی و پیشرفت اقتصادی مشارکت می کند. و زنان می توانند نقش موثری در آن داشته باشد. برای مشارکت فعال و یا عادی زنان در اجتماع به ویژه در جوامع سنتی، عقب نگه داشته شده و در حال گذار به سوی نظام های با ثبات، به فراهم سازی فرصتها و مؤلفه های مهم و سیادی نیاز است که زمینه ساز یک بستر مناسب برای مشارکت زنان گردد. این مؤلفه ها را می توان چنین بر شمرد: برنامه ریزی و جابجا سازی مشارکت زنان در استراتژی های ملی، محو اشکال مختلف تبعیض علیه زنان، انکشاف سرمایه بشری زمان زمینه سازی مشارکت زنان اعم از مشارکت دولتی، خصوصی، تعاونی و عمومی، ارتقای سطح آگاهی، سازماندهی، پشتیبانی و حمایت از زنان در سیاست گذاری های دولت به شمول سهیم ساختن زنان در قوه اجرائیه و ارتقای نقش مدیریتی آنان

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان از دیدگاه اسلام

دین مقدس اسلام برای زنان حقوقی را در نظر گرفته است که در هیچ دین و آیینی چین نیست. از سیاست و حضور اجتماعی زنان در اسلام و قبل از آن در قرآن کریم تذکر رفته است. مانند حکایت از داستان بلقیس ملکه سبا و نقش حضرت بی بی خدیجه (رض) در انتشار و پخش دین مقدس اسلام، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان از دیدگاه اسلام، امروزه یکی از موضوعات مهم قابل بحث در جوامع اسلامی به شمار می رود. علی رغم وجود دیدگاه های تندروانه و محافظه کارانه دینی که در برخی جوامع اسلامی تا به امروز حاکم است، خوشبختانه علمای متأخر و اندیشمندان روشنفکر اسلامی در سال های اخیر سعی ورزیده اند تا با تناد به دلایل عقلی و نقلی ضرورت مشارکت زنان را در عرصه های مختلف

اجتماعی به بحث گرفته، استدلال ها و توجیههای دقیق و مستدل علمی را متکی بر شواهد تاریخی و نصوص اسلامی ارایه نمایند.

حضور زنان در اجتماع و سیاست افغانستان

دیدگاههای فوق نه تنها در میان مذاهب فقهی سنی به بحث گرفته شده بلکه مذهب شیعه نیز بر این موضع اذعان نموده اند. چنانچه از محتوای مطالعات انجام شده در زمینه بر می آید، دین لازم برای زن به موازات مرد و در هر چیزی که طبیعت و اهلیت هر دو، مساوی و مشترک است، موقعیت و جایگاه خاصی در نظر گرفته است. این امر برای زن اجازه می دهد که با رعایت احترام و التزام به تکالیف شرعی ویژه خود مانند حجاب، لباس، طرز ارتباط با مردان نامحرم و در کنار انجام مسئولیت های زناشوهری و خانوادگی خود، به فعالیت های سیاسی و اجتماعی نیز مبادرت ورزد زن مسلمان در کنار مرد مسلمان در چوکات دایره امر به معروف و نهی از منکر نباید در برابر قضایای اجتماعی و سعی اطراف خود بی تفاوت باشد. زیرا قرآن کریم در مورد چنین می فرماید: *والمؤمنون والمؤمنات به منهنم أولیاء بعض و یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر و یقیمون الصلاة و یؤتون الزکاة و یطیعون الله ورسوله - أول تک سیرحهمم الله - إن الله عزیز حکیم (توبه، ۷۱)* یعنی " مردان و زنان با ایمان، ولی یکدیگر اند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، نماز را برپا می دارند و زکات را می پردازند و خدا و رسولش ما را اطاعت می کنند. به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می دهد. خداوند توانا و حکیم است". سیره و روش مسلمانان در صدر اسلام مانند سیره ام المومنین خدیجه (رضی الله عنها)، ام المومنین ام سلمه (رضی الله عنها)، ام المومنین حفصه (رضی الله عنها) و ام المومنین بی بی عایشه (رضی الله عنها) همه نمونه های برجسته از مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی اند.

جایگاه زنان در اجتماع و سیاست در قوانین و اسناد حقوقی افغانستان

خوشبختانه قانون اساسی و سایر قوانین نافذ دیگر در افغانان مشارکت زنان را در همه عرصه های اجتماعی به رسمیت شناخته است. فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در مورد حقوق اساسی و وجایب اتباع که از ماده ۳۲ الی ۵۹ را احتوا می کند در برگیرنده اساسی ترین مواد است که

مشارکت سیاسی و اجتماعی زن را در جامعه افغانی : سجیل کرده است. بر اساس ماده ۲۲ قانون اساسی هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع می باشد. ماده ۳۳ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای هر دو جنس مرد و زن به رسمیت می شناسد ماده ۳۴ حق آزادی بیان و ماده ۳۵ حق تشکیل احزاب و جمعیت ها را برای همه شهروندان اعم از زن و مرد تایید کرده است.

نتیجه گیری

ابعاد اقتصادی و اجتماعی مهم ترین بخشهای حقوق بشر در جوامع معاصر به شمار می روند، به طوری که می توان گفت با توجه به اهمیت روزافزون و تغییرات گسترده در سطوح مختلف زندگی اجتماعی، نقش مؤلفه های اقتصادی و اجتماعی در شکل دهی به حقوق بشر بسیار گسترده شده است. در همین راستا پژوهش حاضر جنبه ای مختلف اقتصادی - اجتماعی حقوق بشر اسلامی را مورد واکاوی قرار داد که به نظر می رسد ظرفیتهای قابل توجهی برای معرفی الگوی حقوق بشر اسلامی را در خود نهفته دارد. این واکاوی از منظری فقهی و با بررسی آیات و روایات دینی نشان می دهد که در ابعاد اقتصادی می توان با تکیه بر اصولی، همچون قاعده نفی سبیل، عسر و حرج، قاعده لاضرر، احسان و مخالفت با تجمل گرایی به تبیین آموزه های حقوق بشر اسلامی پرداخت و زمینه های لازم برای توجه به ابعاد اقتصادی حقوق بشر را مورد توجه قرار داد. همچنین دیگر یافته های تحقیق نشان می دهد که ابعاد اجتماعی حقوق بشر اسلامی می تواند پاسخگوی مشکلات تازه ای باشد که در عرصه های حقوق بشر جهانی مطرح می شود. از این منظر، دین اسلام با رعایت اصل برابری - تفاوت، رعایت حقوق اقلیتها، مبارزه با ظلم و استثمار و توجه به مناسبات اجتماعی برابر، ظرفیتهای قابل توجهی برای پاسخگویی به مشکلات نوین بشری دارد. زنان از لحاظ حقوق اقتصادی و اجتماعی شان در جامعه سنتی امروز ما از لحاظ فرهنگ، اقتصاد، اجتماع، سیاست و دیگر بخش ها با مشکلات زیادی مواجه بوده اند اما با وجود این پیچ و تاب ها هرگز تن به تسلیم شدن نداده اند. از محتوای مطالعات انجام شده چنین بر می آید دین لازم برای زن به موازات مرد و در هر چیزی که طبیعت و اهلیت هر دو، مساوی و مشترک است، موقعیت و جایگاه خاصی در نظر گرفته است. این امر برای زن اجازه می دهد که با رعایت احترام و التزام به تکالیف شرعی ویژه خود مانند حجاب، لباس، طرز ارتباط با مردان نامحرم و در کنار انجام مسئولیت های زناشوهری و خانوادگی خود، به فعالیت های سیاسی و اجتماعی نیز مبادرت ورزد زن مسلمان در کنار مرد مسلمان اجتماعی و با استناد از قوانین و اسناد های حقوقی همچون اعلامیه اسلامی حقوق بشر، قانون اساسی، قانون منع خشونت علیه زنان و غیره از جایگاه خاصی حقوق اقتصادی و اجتماعی برخوردار اند.

منابع و ماخذ

۱- اقرآنکریم

۲- توتونچیان، مهری، (۱۳۹۸) جایگاه حقوق اقتصادی و اجتماعی در حقوق بشر از منظر فقه، تهران، ایران.

۳- رامزی، منیژه، نقش زنان در اجتماع و سیاست افغانستان، موسسه مطالعات حقوقی و اقتصادی افغانستان.

۴- زند کاظمی، علی اصغر، (۱۳۹۷) بررسی تطبیق حقوق زن در قرآن و اعلامیه جهانی حقوق بشر، واحد علوم تحقیقات.

۵- اسلامی، سید حسن، (۱۳۸۱) اعلامیه اسلامی حقوق بشر و مسئله نابرابری ها، ایران.

۶- ذاکریان، مهدی، (۱۳۸۶) حقوق بشر برای همه، اسراء چاپ پنجم، قم.

۷- اعلامیه اسلامی حقوق بشر، (بیانیه قاهره)، ترجمه فارسی، تهران، دبیرخانه کمیسیون حقوق بشر اسلامی.

۸- پیمان، رستم، (۱۳۹۰) مجموعه حقوق زن، کابل افغانستان.

۹- نعیمی سادات، طاهره، (۱۳۹۳) مقایسه حق ازدواج زن در اسلام و اسناد حقوق بشر ایران، انتشارات قم.

۱۰- ابراهیمی، جهانبخش، (۱۳۸۳) سیری در حقوق بشر، تهران انتشارات زوار.

۱۱- عمید، حسن، (۱۳۸۴) فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امید مهر.